

قلمروسازی‌های ادعایی کشورهای ساحلی و همپوشانی قلمروها (مطالعه موردی: بررسی تزامم قلمروسازی‌های ایران و پاکستان در دهانه خلیج مرزی گواتر)

عمران راستی (استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران، نویسنده مسئول)

orasti@birjand.ac.ir

علی اشرفی (دانشجوی دکتری سنجش از دور دانشگاه تهران، عضو هیأت علمی دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران)

aashrafi@birjand.ac.ir

چکیده

با اهمیت یافتن روزافزون دریاها، فرایند قلمروسازی در دریاها نیز اهمیت بیشتری یافته است و یکی از اقدامات مهم بین‌المللی در قرن بیستم، تشکیل کنفرانس‌ها و کنوانسیون‌های مربوط به حقوق بین‌الملل دریاها به منظور قاعده‌مند نمودن ادعاهای کشورهای ساحلی در زمینه قلمروسازی در دریا بوده است. اغلب کشورهای ساحلی نیز متعاقب و در راستای تصویب قوانین بین‌المللی حقوق دریاها، به تصویب قوانین مناطق دریایی ملی خود اقدام نموده‌اند. با این همه برخی از این قلمروسازی‌ها به دلایل مختلف از جمله ابهام در برخی مواد و یا تفسیر متفاوت مواد کنوانسیون، از سوی برخی صاحب‌نظران محل اشکال است. از سوی دیگر در برخی موارد قلمروسازی ادعایی دو کشور ساحلی در برخی موارد با همدیگر تزامم و تعارض پیدا می‌کند. از جمله این موارد می‌توان به نحوه ترسیم خطوط مبدأ مستقیم از جمله خطوط محصورکننده دهانه خلیج و یا نحوه انتخاب نقاط خطوط مبدأ اشاره کرد. خلیج گواتر در منتهی‌الیه شمال شرقی دریای عمان، یک خلیج کوچک مرزی بین دو کشور ایران و پاکستان به حساب می‌آید. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی بر آن است تا اسناد و قوانین دو کشور ساحلی را در خصوص قلمروهای دریایی و مرز دریایی دو کشور مورد بررسی قرار داده و با ترسیم این ادعاها و قلمروسازی‌ها بر روی نقشه، با تحلیل کارتوگرافیکی و انجام محاسبات لازم، ضمن بررسی این اقدامات، انطباق یا عدم انطباق این قلمروسازی‌ها با همدیگر و احتمال همپوشانی آنها را مورد بررسی قرار دهد. مهمترین اقدامات مرتبط با قلمروسازی دو کشور ساحلی علاوه بر تصویب قوانین مربوط به مناطق دریایی، تعیین و اعلام مختصات نقاط خط مبدأ مستقیم و بالآخره تعیین مرز دریایی دو کشور است. از نقاط خطوط مبدأ دو کشور نقطه (۲۵) خط مبدأ ایران و نقطه (a) خط مبدأ پاکستان در پهنه آبی و در دهانه خلیج گواتر قرار می‌گیرند که این از نظر برخی متخصصان ترسیم

خطوط مبدأ براساس کنوانسیون مورد اشکال است. همچنین ترسیم این نقاط با توجه به مختصات جغرافیایی آنها نشان از عدم انطباق این دو نقطه با هم دارد. این عدم انطباق و تاکید بر این دو نقطه با مختصات مربوطه، احتمال بروز اختلاف و تنش را در این قسمت از مرزهای دریایی بین دو کشور به ذهن متبادر می‌سازد اما از آنجا که دو کشور ایران و پاکستان در سال ۱۹۹۷ مرز دریایی خود را تعیین و تحدید کرده‌اند، به نظر می‌رسد که نقطه (۱) خط مرز دریایی ایران و پاکستان که در دهانه خلیج قرار می‌گیرد می‌تواند جایگزین مناسبی برای نقطه (۲۵) ایران و نقطه (a) پاکستان تلقی گردد چرا که این نقطه در نزدیکترین فاصله از دو نقطه مذکور و در دهانه خلیج گواتر قرار دارد و از سوی دو کشور در تعیین مرز دریایی مورد توافق قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: قلمروسازی، نقاط خطوط مبدأ، مرز دریایی ایران و پاکستان، خلیج گواتر.

مقدمه

در گذشته و برای قرون متمادی، مناقشه قدرت‌ها و کشورها بیشتر بر سر خشکی و زمین‌های بیرون از آب بود، اما همانطور که لاکوست (۱۹۸۸) می‌گوید امروزه کشورها می‌کوشند تا بر روی دریاها و اقیانوس‌ها حداکثر اشکال مختلف حاکمیت خود را اعمال نمایند و در این راستا دست به دامان جغرافیا و عوارض جغرافیایی و زمین‌شناسی و مورفولوژیک زمین و دریا می‌شوند تا سهم خود را در ضمیمه‌سازی قسمت‌های بیشتری از آب، بستر و زیر بستر دریاها افزایش دهند. در این راستا نقش عوامل و عوارض جغرافیایی از جمله ساحل و شکل ساحل، جزایر، خورها، خلیج‌ها، بنادر، دهانه رودها، آبتل‌ها، آبرنگ‌ها و ... در شکل‌دهی به برخی از مواد قوانین بین‌المللی دریاها از جمله کنوانسیون حقوق دریاها بسیار پر رنگ بوده است. به عنوان مثال در ترسیم خطوط مستقیم و محصورکننده، شکل ساحل، دهانه رودها، دهانه خلیج‌های کوچک مورد توجه بوده است.

ایران و پاکستان به عنوان دو کشور همسایه ساحلی دریای عمان، که نقطه پایانی مرزهای زمینی آن‌ها در خلیج کوچک گواتر تلالی می‌کند، هر دو در زمره کشورهایی هستند که از سیستم خط مبدأ مستقیم در سواحلشان استفاده کرده‌اند و مختصات خطوط مبدأ مستقیم خود را اعلام نموده‌اند. همچنین دو کشور فوق در سال ۱۹۹۷م نسبت به تعیین مرز دریایی مشترک خود در دهانه خلیج گواتر اقدام نموده‌اند. اما بررسی دقیق فعالیت‌های قلمروسازی دو کشور در دهانه خلیج گواتر با سوالاتی مواجه است. آیا نقطه پایانی خط مبدأ ایران (نقطه ۲۵)، با نقطه ابتدایی خط مبدأ پاکستان که هر دو در دهانه خلیج گواتر قرار دارند با هم

منطبقند یا همپوشانی به وجود می‌آید؟ آیا انتخاب این نقاط از سوی دو کشور که هر دو در روی آب قرار دارند با قواعد کنوانسیون حقوق دریاها انطباق دارد؟ آیا می‌توان از توافق مرز دریایی ایران و پاکستان به عنوان محملی حقوقی برای رفع اختلافات و تعارضات و همپوشانی احتمالی قلمروها استفاده کرد؟ این سوالات انگیزه و هدف اصلی پژوهش حاضر است که با بررسی و تحلیل اسناد و منابع مختلف سعی شده این ابهامات مورد بررسی قرار گیرد.

مبانی نظری تحقیق

جغرافیای سیاسی دریاها به منزله یک دانش نسبتاً متاخر دچار فقر ادبیات است (Mirheydar, & Others, 2014: 338). جغرافیای سیاسی دریاها یکی از زیرشاخه‌های جغرافیای سیاسی به شمار می‌رود. جغرافیای سیاسی به عنوان زیرشاخه‌ای از شیوه‌های تحلیل جغرافیای انسانی عملکرد سیاست و قدرت در تقسیم و تجمیع فضا و متقابلاً تأثیرات فضاها و مکان‌های به وجود آمده بر فرایندهای سیاسی را مورد بررسی قرار می‌دهد (Mirheydar, & Others, 2013: 1). کلیدی‌ترین مفهومی که از تعریف فوق منتج می‌گردد، مفهوم قلمرو و مفاهیم مرتبط با آن از قبیل قلمروسازی، قلمروگستری و قلمروداری است. جغرافیای سیاسی دریا نیز از نظر مفهومی و نظری متکی به مفاهیم کلیدی رشته مادر می‌باشد. مهمترین مفهومی که بنیاد نظری این پژوهش بر آن بنا شده است، مفهوم قلمروسازی است. به طور رسمی قلمروخواهی یا قلمروسازی یک راهبرد استفاده شده از سوی اشخاص، گروه‌ها و سازمان‌ها برای اعمال قدرت بر بخشی از فضا و محتویات آن تعریف می‌شود، راهبردی که دربردارنده یک سری از ویژگی‌هایی است که سه مورد از آن بارزتر است. نخست اینکه قلمروسازی شکلی از طبقه‌بندی با استفاده از نواحی است که هم شمول دارد و هم استثنا؛ دوم اینکه قلمروسازی می‌بایست قابلیت ارتباط داشته باشد، به گفته دیگر باید بتواند به صورت فیزیکی روی زمین نمایش داده شود یا به آسانی بتوان شکل گرافیکی آن را روی نقشه مشخص کرد و سوم اینکه حفظ قلمرو نیازمند قدرت اجرایی است، از طریق حضور فیزیکی نیروهای نظامی، یا از طریق تهدید ارجاع به قانون، یا پرهیز از پذیرش اقدامات و ادعاهای مستقیم. بنابراین قلمروسازی یک ساختار سیاسی انسان ساخت است که به تقسیم‌بندی فضا می‌پردازد. قلمروخواهی ذاتاً سیاسی است و ماهیت مشاجره‌آمیز دارد و بدون تقسیم بی‌رحمانه فضا به بخش‌های جداگانه و تخصیص انحصاری فضا وجود نداشته است (Blacksell, 2010: 37-38).

در قرن بیستم قلمروخواهی و قلمروسازی بر روی دریاها سرعت و شتاب بیشتری می‌گیرد در این قرن آن طور که لاکست در پیشگفتار کتابش بیان می‌کند برای نخستین بار در تاریخ، کشورها مدعی سهم مهمی از دریاها می‌شوند (در مجموع بیش از یک پنجم اقیانوس‌ها) درست مانند اینکه بخش لایتجای سرزمین‌شان باشد (Lacoste, 1988). اما رویه کشورهای ساحلی در خصوص قلمروخواهی و قلمروسازی از جمله تعیین عرض دریای ساحلی یا دریای سرزمینی بسیار متفاوت و بعضاً بسیار افراطی بود و برخی از ادعاهای کشورهای ساحلی اختلافات و تنش‌هایی را در پی داشت پس از تشکیل جامعه ملل متفق و متعاقب آن پس از تشکیل سازمان ملل، شاهد تشکیل کنفرانس‌ها و کنوانسیون‌هایی برای وحدت رویه در زمینه ادعاهای مربوط به قلمروهای دریایی، حقوق کشورهای ساحلی و سایر کشورها و مواردی از این قبیل در قالب حقوق بین‌الملل دریاها هستیم. در این راستا ابتدا جامعه ملل متفق در شهر لاهه کنفرانس حقوق دریاها را در ۱۹۳۰ برگزار کرد. سپس سه کنوانسیون به وسیله سازمان ملل متحد در ۱۹۵۸ و ۱۹۶۰ در ژنو و در ۱۹۸۲ در شهر مانتیگویی (جامائیکا) منعقد شد.

عوامل جغرافیایی از جمله موقعیت جغرافیایی، شکل و مورفولوژی سواحل، خلیج‌ها، جزایر، دهانه رودها، دلتاها، آبتل‌ها، تنگه‌ها، مجمع‌الجزایر، عرض پهنه‌های آبی، بسته یا نیمه بسته بودن دریا، فلات قاره و سایر ویژگی‌ها و پدیده‌های جغرافیای طبیعی و انسان ساخت در نگارش و تدوین مواد کنفرانس‌ها و کنوانسیون‌های مربوط به حقوق دریاها نقش مهمی داشته‌اند. اما در پژوهش‌های جغرافیای سیاسی به گونه ای جامع به تأثیرگذاری عوامل جغرافیایی بر تدوین قوانین دریایی پرداخته نشده است (Mirheydar, & Others, 2014: 338).

نقشه را می‌توان مهمترین ابزار شناخت در جغرافیا دانست، چرا که نقشه‌ها عالی‌ترین وسیله برای نمایش دادن اطلاعات جغرافیایی به شمار می‌روند، نقشه ابزاری در خدمت شناخت محیط و ویژگی‌ها و استعدادهای آن است و به نحوی سلطه انسان بر محیط پیرامون خود را بازنمایی می‌کند و البته در برخی موارد ابزاری در اختیار قدرت سیاسی و حاکمیت‌ها بوده و هست (Mirhaydar & Hamidinia, 2010, 295-297). نقشه رابطه تنگاتنگی با قلمرو، قلمروسازی و مفاهیم منبعث از آن از قبیل مرز، تحدید حدود و مرزبندی دارد. در واقع آنچه با نام مرز در زندگی اجتماعی انسان مطرح است و در مقیاس‌های محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی تجلی می‌یابد بیشتر روی نقشه قابل فهم و درک است تا روی زمین و واقعیت. به نقشه درآوردن قلمروهای دریایی نیز از اهمیت بالایی در حقوق بین‌الملل دریاها برخوردار است. مخصوصاً

کنونسیون ۱۹۸۲ دریاها، شامل فعالیت‌های دیپلماتیک مدرنی برای مسائل مربوط به نقشه درآوردن مرزهای دریایی بود که به شکل‌های مختلفی ظاهر شده است. ماده (۵) تعیین می‌کند که خطوط مبدأ عادی از حد جزر در کنار ساحل باید روی نقشه‌های بزرگ مقیاس نشان داده شود که توسط دولت ساحلی به رسمیت شناخته می‌شود. همچنین مواد (۶)، (۱۶)، (۴۷) و (۷۵) مربوط به منطقه انحصاری اقتصادی و ماده (۸۵) مربوط به حد بیرونی فلات قاره به مسأله به نقشه درآوردن این مناطق اشاره دارد (Rosenne, 1996 in: Mirheydar, & Others, 2014: 357).

از منظر دفاعی و امنیتی، قلمروسازی در دریا با مفهوم دفاع و امنیت پیوندی دیرینه دارد. به طوری که اولین قانونی که در رابطه با حاکمیت دولتها بر دریاها وضع شده قانون تیررس توپ بود که در سال ۱۷۰۲ وان بینکر شوک، قانونگذار هلندی پیشنهاد شد. به عقیده وی، گرچه دریا متعلق به همه‌ی ملتهاست، ولی هرکشوری به‌اندازه‌ی تیررس توپ باید بر آبهای ساحلی خود حق حاکمیت داشته باشد. بعدها بر اساس این قانون، تا فاصله‌ی سه مایل دریایی آبهای ساحلی و فراتر از آن، دریای آزاد محسوب می‌شد. البته این قانون بیشتر هدف پدافندی داشت و به ویژه از نظر دولت انگلستان که از جانب دزدان دریایی تهدید می‌شد حائز اهمیت بود. با گذشت زمان پیوند قلمروسازی در دریاها و قلمروهای دریایی با مفاهیم دفاع و امنیت بیشتر شده است و می‌توان گفت: مرزهای دریایی کنونی بیشتر از قبل با مفهوم امنیت پیوند خورده‌اند. مرزهای دریایی در امنیت استراتژیک، امنیت اقتصادی، امنیت مهاجرتی و امنیت اکولوژیک کشورها نقش مهمی ایفا می‌کنند. در این شرایط جدید و در این دیدگاه جدید، مرزهای دریایی نقش مهمی را در امنیت دولت‌ها به دلیل کنترل قلمرو از جهت مهاجرتی، بهداشتی، نظامی، مالی، اقتصادی و ... ایفا می‌کنند (Mirheydar, & Others, 2014: 340) و شاید بتوان گفت یکی از دلایل مهمی که دولت‌ها بیش از پیش به جا به جایی خطوط مبدأ خود به سمت دریا روی می‌آورند، پیشگیری از تردد غیرمجاز و تأمین امنیت خود، مقررات خاصی برای عبور شناورهای جنگی از دریای سرزمینی به اجرا می‌گذارند (Momtaz & Ranjbarian, 1996: 91) با این همه مسائل امنیتی به همین جا ختم نمی‌شود و چه بسا در برخی موارد فرآیند قلمروسازی و ادعاهای مربوط به آن در دریا، خود مسائل امنیتی و مشکلات و تنش‌هایی را بین دو یا چند کشور ایجاد نماید. این مباحث امنیتی در مناطقی که بین ادعاهای کشورها و قلمروسازی آنها تراجم،

همپوشانی و اختلافی وجود داشته باشد از اهمیت بیشتری برخوردار است و چه بسا اختلافات و تنش‌های احتمالی بعدی را در پی داشته باشد.

اهمیت، ضرورت و اهداف تحقیق

مطالعات اندک در زمینه قلمروسازی در دریای عمان و به تبع آن در خلیج گواتر و همچنین فقدان مطالعات دقیق و فنی و کارتوگرافیک و ابهامات و اشکال در برخی از نقشه‌های ترسیمی از خط مبدأ ایران^۱ به خصوص در مورد نقطه (۲۵) خط مبدأ و همچنین عدم قطعیت در مورد انطباق یا عدم انطباق دو نقطه خط مبدأ ایران و پاکستان در دهانه خلیج گواتر و لزوم بررسی فنی، کارتوگرافیک و محاسباتی از ضرورت‌های انجام این پژوهش می‌باشد.

مهمترین اهداف پژوهش حاضر عبارتند از:

- بررسی قلمروسازی‌های صورت گرفته در دهانه خلیج گواتر و تطبیق آن با قواعد کنوانسیون دریاها
 - بررسی انطباق یا عدم انطباق نقاط خطوط مبدأ ایران و پاکستان در دهانه خلیج گواتر
 - ترسیم خط مرز دریایی ایران و پاکستان و بررسی موقعیت دو نقطه خط مبدأ دو کشور نسبت به خط مرز دریایی
 - ارائه پیشنهاد برای برون رفت از بروز اختلافات احتمالی در صورت عدم انطباق دو نقطه خطوط مبدأ و همپوشانی و تداخل قلمروسازی‌ها
- بدین ترتیب پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به پرسشهای زیر است:
- قلمروسازی در جلوی خلیج مرزی گواتر چه روندی را پیموده است؟
 - قلمروهای دریایی ایران و پاکستان در خلیج گواتر چه وضعیتی از نظر انطباق یا همپوشانی دارند؟
 - راهکار جلوگیری از تنش و اختلاف احتمالی دو کشور در زمینه تداخل و همپوشانی قلمروهای دریایی‌شان در خلیج گواتر چیست؟

۱ نمونه این نقشه‌ها را می‌توان نقشه ترسیم شده توسط سازمان جغرافیایی اشاره کرد که در این نقشه نقطه ۲۵ خط مبدأ جمهوری اسلامی ایران در خشکی و در داخل خلیج گواتر در محل علامت ۲۵۶ مرز خشکی ایران و پاکستان ترسیم شده است. این نقشه در منابع افشردی (۱۳۸۵) و حافظ نیا (۱۳۹۳)، مورد استفاده قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

در زمینه قلمروسازی در دریای عمان به طور عام و به تبع آن خلیج گواتر به طور خاص پژوهش‌های چندانی صورت نگرفته است و تا کنون پژوهش‌ها در زبان فارسی عمدتاً معطوف به قلمروسازی، جغرافیای سیاسی دریاها و در مطالعات موردی مربوط به قلمروسازی در خلیج فارس بوده است. با این همه در بین منابعی که به زبان انگلیسی موجود است مرتبط‌ترین منابع، منبع رایسمن ۱ و وسترنمن ۲ و کب پرسکات ۳، پرسکات و اسکافیلد ۴ اشاره کرد که در آنها به خط مبدأ مستقیم ایران و نقطه ابتدا و انتهای خط مبدأ ایران پرداخته شده است. همچنین در بولتن شماره ۱۱۴ وزارت خارجه آمریکا (از مجموعه بولتن‌هایی که تحت عنوان (Limits in the seas) منتشر می‌گردد) به بررسی مواد قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران و از جمله وضعیت خطوط مبدأ مستقیم ایران در خلیج فارس و دریای عمان پرداخته شده است. در بین منابع فارسی نیز مقاله افشردی تحت عنوان «بررسی میزان مطابقت و تفاوت‌های قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان» (۱۳۷۲) با کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲م) و مقاله رنجبریان و صیرفی تحت عنوان «بررسی خط مبدأ ایران در خلیج فارس و دریای عمان و اعتراض کشورهای دیگر به آن» را مرتبط‌ترین مقالات به پژوهش حاضر قلمداد کرد. تفاوت این پژوهش با سایر پژوهش‌ها در پرداختن به مسأله قلمروسازی در یک پهنه کوچک دریایی یعنی خلیج گواتر در دریای عمان است که در این راستا از اسناد مرتبط با قلمروسازی دو کشور ساحلی در دریا استفاده شده است. این اسناد در آرشیوهای پرتال سازمان ملل متحد و سازمان‌های وابسته به آن موجود است که منابع مهم و دست‌اولی برای تحقیقات مربوط به قلمروسازی در دریاها به شمار می‌رود (UN, 2009, Bulletins Nos. 1-70). همچنین وزارت خارجه آمریکا بولتن‌هایی را تحت عنوان (Limits in the seas) ۵ و وزارت دفاع آمریکا (U.S Department of Defense, 2005) بولتن‌هایی از اسناد و ادعاها و قوانین دریایی کشورهای جهان را جمع‌آوری و منتشر می‌کنند.

- 1 Reisman
- 2 Westerman
- 3 Prescott
- 4 Schofield

۵ در این بولتن‌ها، معمولاً نقطه نظرات ایالات متحده در مورد این ادعاها ابراز گردیده است. تا سال (۱۳۹۴/۲۰۱۵م) تعداد ۱۴۳ بولتن جمع‌آوری، تدوین و منتشر شده است و در پرتال وزارت خارجه آمریکا قابل دسترسی است:

(U.S Department of State / BIR-GOG, Bulletins Nos. 1-143)

روش تحقیق

پژوهش حاضر بر اساس هدف در زمره تحقیقات کاربردی و بر اساس ماهیت و روش در زمره پژوهش‌های توصیفی - تحلیلی جای می‌گیرد. بدین منظور اسناد و قوانین دو کشور ساحلی در خصوص قلمروهای دریایی و مرز دریایی دو کشور مورد بررسی قرار گرفت، کلیه داده‌های مربوط به اطلاعات مکانی موجود در این اسناد تبدیل به لایه‌های اطلاعاتی شدند، با توجه به اینکه سطح مبنا (DATUM) در اسناد اعلام نشده، برای کلیه نقاط سطح مبنای WGS84 انتخاب شد، برای محاسبه مساحت‌ها لایه‌های اطلاعاتی به سیستم هم مساحت UTM40 تبدیل شد. ترسیم این ادعاها و قلمروسازی‌ها بر روی نقشه، با تحلیل کارتوگرافیک در این سیستم تصویر انجام شده و ضمن بررسی این اقدامات، انطباق یا عدم انطباق این قلمروسازی‌ها با همدیگر و احتمال همپوشانی آنها مورد بررسی قرار گرفته است.

محیط‌شناسی تحقیق، خلیج گواتر؛ بررسی وضعیت جغرافیایی

خلیج کوچک مرزی گواتر در منتهی‌الیه جنوب شرقی ایران و منتهی‌الیه جنوب غربی پاکستان قرار دارد و علامت مرزی ۲۵۶ که آخرین نقطه مرز زمینی ایران و پاکستان را مشخص می‌کند، سواحل شرقی این خلیج را در طرف پاکستان و سواحل غربی این خلیج را در طرف ایران قرار داده است. از سمت شرق رأس حیوانی یا دماغه حیوانی^۳ ورودی این خلیج و در سمت غرب این خلیج دماغه پسابندر به عنوان نقطه خروجی یا پایانی این خلیج به شمار می‌آیند. پرسکات و اسکافیلد (۲۰۰۵) نقاط ورودی دهانه خلیج گواتر را در طرف پاکستان و ایران به ترتیب رأس حیوانی و رأس فسته^۴ دانسته‌اند. خلیج گواتر در حدفاصل خلیج غربی گوادر پاکستان (این بندر در سمت شرق بندر گواتر قرار دارد) و خلیج چابهار ایران قرار دارد. در کرانه‌های اطراف این خلیج، شهرها و روستاهای پر جمعیت دیده نمی‌شود در کرانه پاکستانی خلیج، شهری به نام حیوانی و در کرانه ایرانی آن روستاهای گواتر و پسابندر قرار دارد. سواحل اطراف

۱ از آنجا که موضوع قلمرو سازی های انجام شده در آبهای جنوبی کشور مورد بررسی هست. برای یکپارچگی کلیه نقشه‌ها و تهیه یک نقشه یکپارچه از مناطق جنوبی کشور، بهترین سیستم تصویری، سیستم تصویری Lambert Conformal Conic می باشد که نقشه های عرضی را با کمترین خطا و انحراف طراحی می کند.

۲ مختصات میله مرزی ۲۵۶ عبارت است از: ۲۵ درجه و ۱۰ دقیقه و ۴۱/۲۳ ثانیه عرض شمالی و ۶۱ درجه و ۳۷ دقیقه و ۳/۰۳ ثانیه طول شرقی.

۳ رأس حیوانی یکی از چهار نقطه، نقاط محدوده دریای عمان هم به شمار می آید

خلیج گواتر از نوع سواحل پادگانه های ساحلی یا دریابارها می باشد. این دریابارها که با اختلاف سطح چند متر تا بیش از ۱۰۰ متر در شرقی ترین سواحل کشورمان قابل مشاهده است، به دلیل بالا آمدگی این قسمت از ساحل در نتیجه حرکت پوسته اقیانوسی دریای عمان و فرورانش آن به زیر پوسته قاره ای ایران است. بر اساس مطالعات صورت گرفته، در طی سی هزار سال گذشته بالا آمدگی ساحل عمان در این ناحیه حدود ۱۰۵ متر بوده است (Kawsari, 1985, in: <http://www.inio.ac.ir>). رودخانه باهوکلالت از سمت ایران و رودخانه نهردشت از سمت پاکستان به خلیج گواتر می ریزند. قسمت انتهایی این رودخانه ها در اتصال به خلیج را خورها تشکیل می دهند که خور باهوکلالت در سمت ایران یکی از خورهای متصل به خلیج گواتر است.



شکل ۱- نقشه خلیج کوچک مرزی گواتر و نقاط ورودی خلیج

خلیج کوچک گواتر در نوع خود یک زیستگاه طبیعی و پراهمیت است. جنگل های حرای این خلیج و جزر و مد زیبای این خلیج، تنوع گونه های پرند و تعداد زیاد پرندگانی که در خورهای متصل به خلیج از جمله خلیج باهوکلالت^۱ تالاب بین المللی گواتر و خورهای متصل به آن از جمله خور باهوکلالت از نظر

۱ در برنامه سرشماری سال ۱۳۸۷، بالاترین تنوع گونه ای مربوط به خور تنگ و خور باهوکلالت با ۳۷ گونه و بیشترین پرند سرشماری شده مربوط به شرق خور باهوکلالت با جمعیتی بیش از ۹۹۰۰ عدد پرند بوده است.

وجود جنگل‌های حرا و پرندگان آبی اهمیت ویژه‌ای دارد همچنین این تالاب غربی‌ترین نقطه زیست‌تمساح پوزه کوتاه در آسیا می‌باشد که اهمیت آن را دوچندان کرده است. بعلاوه در امتداد رودخانه باهو کلات پوشش گیاهی متنوعی دیده می‌شود که نقش اکولوژیک مهمی در کاهش سرعت سیلاب‌ها و جلوگیری از اثرات تخریبی سیل‌های رودخانه سرریز و طوفان‌های دریایی دارد. از منظر ژئوپلیتیک، در تقسیم‌بندی مناطق ژئوپلیتیک کوهن پهنه‌های دریایی خلیج فارس و دریای عمان در کمربند شکننده خاورمیانه جای می‌گیرند جایی که شکنندگی آن تا حد زیادی به اقدامات مداخله جویانه قدرت‌های مهم واقع در حوزه‌های اطراف آن مربوط می‌شود (Cohen, 2008: 607). و این مسأله اهمیت پهنه‌های آبی جنوب ایران را بیش از پیش مشخص می‌کند لذا هرگونه اختلاف و یا بستر و زمینه اختلاف در این پهنه‌های آبی در زمینه قلمروهای دریایی، مرزهای دریایی و ... می‌تواند زمینه دخالت بازیگران مختلف را در برخی برهه‌ها فراهم سازد بنابراین وجود ابهامات و عدم انطباقات از جمله همپوشی قلمروها به مثابه استخوان در لای زخم باقی خواهد ماند و در مقطعی باعث تنش و اختلاف خواهد گردید.

قلمروسازی‌ها در دهانه خلیج گواتر

قلمروسازی در دهانه خلیج گواتر نیز مانند بقیه پهنه‌های آبی و سواحل، تابع قوانین دو کشور ساحلی در زمینه مناطق دریایی می‌باشد. کشورهای ساحلی دریای عمان از جمله ایران متعاقب تشکیل کنفرانس‌ها و کنوانسیون‌های مختلف مربوط به حقوق دریایا اقدام به تصویب قوانینی در خصوص حقوق و ادعاهای خود بر آبهای پیرامونی و مناطق دریایی خود می‌نماید. از جمله این قوانین می‌توان به «قانون تعیین حدود آبهای ساحلی و منطقه نظارت دولتها در دریاها مصوب ۲۴ تیر ۱۳۱۳»، «قانون راجع به اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی فلات قاره ایران مصوب ۲۸ خرداد ۱۳۳۴»، «قانون اصلاح قانون تعیین حدود آبهای ساحلی و منطقه نظارت دولتها در دریاها» مصوب ۲۲ فروردین ۱۳۳۸، «مصوبه شماره ۶۷-۲۲۵۰ مورخ ۳۱ تیر ماه ۱۳۵۲ هیات وزیران^۱ و اعلام مختصات خط مبدأ مستقیم ایران در سواحل خلیج فارس و دریای عمان»، «اعلامیه در خصوص منطقه انحصاری ماهیگیری ایران در دریای عمان که قبل بر آن ۵۰ مایل دریایی تعیین شده بود تا حد خط منصف دریای عمان گسترش یافت» و بالاخره «قانون مناطق دریایی

۱ این تصویب نامه در جلسه مورخ ۱۳۵۲، ۴، ۳۰ هیأت وزیران بنا به پیشنهاد شماره ۹۶۵۲ مورخ ۱۳۵۲، ۴، ۶ وزارت امور خارجه، تصویب گردید. در این مصوبه، خط مبدأ مقرر در قانون مصوب ۲۲ فروردین ۱۳۳۸ راجع به اصلاح قانون تعیین حدود آبهای ساحلی و منطقه نظارت ایران مصوب ۲۴ تیر ماه ۱۳۱۳ را تعیین و تصویب گردید.

جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان، مصوب سال ۱۳۷۲ خورشیدی» اشاره کرد. کشور پاکستان نیز در سال ۱۹۷۶ قانون آبهای سرزمینی و مناطق دریایی خود را به تصویب رساند.

در بین اقدامات دو کشور ساحلی در زمینه قلمروسازی در پهنه‌های آبی پیرامونی شان، آنچه به‌طور ویژه به قلمروسازی در دهانه خلیج گواتر مرتبط می‌گردد، یکی تعیین نقاط خطوط مبدأ دو کشور و دیگری تحدید حدود مرز دریایی دو کشور است. اولین اقدام عملی مربوط به قلمرو سازی در دهانه خلیج مرزی گواتر به مصوبه ۳۱ تیر ۱۳۵۲ هیات وزیران وقت ایران بر می‌گردد که در این مصوبه مختصات ۲۵ نقطه خط مبدأ ادعایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان تعیین و اعلام می‌گردد. در بین این نقاط، نقطه ۲۴ خط مبدأ در دهانه ورودی خلیج مرزی گواتر در محلی به نام دماغه پسابندر قرار می‌گیرد و مختصات نقطه ۲۵ که در روی آب و در دهانه خلیج گواتر قرار می‌گیرد در مصوبه مذکور بدین شرح تعیین و اعلام می‌گردد «نقطه (۲۵) محل تلاقی نصف النهار ۶۱ درجه و ۳۷ دقیقه و ۳ ثانیه طول شرقی با خط مستقیمی که دو طرف خلیج گواتر را درحد پست ترین جزر به یکدیگر متصل می‌سازد»^۱. پاکستان نیز در ۲۹ آگوست ۱۹۹۶ مختصات نقاط خط مبدأ مستقیم خود را اعلام نمود^۲. این سیستم خط مبدأ مستقیم، که سیستمی پیوسته است، از اتصال ۱۰ نقطه (از نقطه a تا k) تشکیل می‌شود. نقطه a این خط مبدأ با مختصات ۲۵ درجه و ۲ دقیقه و ۲۰ ثانیه عرض شمالی و ۶۱ درجه ۳۵ دقیقه و ۵۰ ثانیه طول شرقی، روی آب و در دهانه خلیج مرزی گواتر قرار می‌گیرد. نقطه b این خط مبدأ نیز بر رأس حیوانی در محل ورودی دهانه خلیج گواتر در ساحل پاکستان قرار دارد. آخرین اقدام مربوط به قلمروسازی در دهانه و روبروی خلیج مرزی گواتر، اقدام مشترک دو کشور ایران و پاکستان در سال ۱۹۹۷ و تحدید حدود مرز دریایی بین دو کشور می‌باشد. موافقتنامه مرزی فوق در جمهوری اسلامی ایران به تایید نهاد قانون گذاری رسیده و به قانون تبدیل شده است و در روزنامه رسمی کشور به چاپ رسیده است. این موافقتنامه مشتمل بر یک مقدمه و (۷) ماده می‌باشد. بر اساس ماده (۱) این توافقنامه، خط مرز دریایی که آبهای داخلی، دریاها و سرزمینی، مناطق مجاور و مناطق انحصاری اقتصادی ایران و پاکستان را از هم جدا می‌سازد، عبارت است از خط ژئودزیکی که نقاط مشروح زیر را به هم پیوند می‌دهد:

۱ مجموعه قوانین روزنامه رسمی شماره ۹۴۲۸ مورخ ۱۳۵۶/۲/۱۹، ص ۵۷، مجموعه قوانین سال ۱۳۵۵.

۲ نگاه کنید به:

UN, National legislation ° DOALOS/OLA, (1996), Statutory Notification of 29 August 1996, specifying the baseline ..., ISLAMABAD.

جدول ۱- مختصات نقاط خط مرز دریایی ایران- پاکستان

نقاط خط مرز دریایی ایران و پاکستان	عرض جغرافیایی			طول جغرافیایی		
	درجه	دقیقه	ثانیه	درجه	دقیقه	ثانیه
علامت مرزی						
۲۵۶	۲۵	۱۰	۴۱,۲۳	۶۱	۳۷	۰۳,۰۳
۱	۲۵	۰۲	۱۴	۶۱	۳۵	۳۷,۰۰
۲	۲۴	۵۳	۳۵	۶۱	۳۳	۳۲
۳	۲۴	۵۰	۲۷	۶۱	۳۵	۳۷
۴	۲۴	۰۸	۰۰	۶۱	۳۰	۰۰
۵	۲۳	۲۰	۴۸	۶۱	۲۵	۰۰

بر اساس تبصره این ماده، علامت مرزی شماره ۲۵۶ مرز زمینی ایران و پاکستان براساس موافقتنامه مرزی ایران و پاکستان مورخ ۱۳۳۶، ۱۱، ۱۷ هجری شمسی (۱۹۵۸، ۲، ۶ میلادی) نصب گردیده است. بر این اساس نقطه آغازین این مرز دریایی روی خشکی و منطبق با علامت مرزی ۲۵۶ با مختصات مربوطه می‌باشد. نقطه (۱) این مرز دریایی در دهانه خلیج گواتر و در نزدیکترین فاصله با نقاط انتهایی و ابتدایی خطوط مبدأ ایران و پاکستان قرار دارد. از نظر موقعیت جغرافیایی نقاط (۱)، (۲) و (۳) این خط مرز دریایی در دریای عمان و نقاط (۴) و (۵) آن با توجه به مختصاتشان در دریای عرب واقع می‌شوند و نقطه (۵) با خط میانه دریای عرب تلاقی پیدا می‌کند (نقشه ۵). همچنین بر اساس ماده (۵) این موافقتنامه «طرفهای متعاقد ضمن تاکید بر اینکه خط مرزی مذکور در ماده (۱) لایتغیر، دائمی و قطعی می‌باشد، اختلافات ناشی از اجرای این موافقتنامه را بصورت مسالمت‌آمیز و از طریق مذاکره حل و فصل خواهند نمود. در صورت بروز هرگونه عدم توافق در حل اختلاف، موضوع با تراضی طرفین به یک کمیسیون سازش محول خواهد شد. ترکیب کمیسیون مزبور از طریق مشاوره بین طرفین تعیین خواهد شد».

جدول ۲- اقدامات مرتبط با قلمروسازی دو کشور ایران و پاکستان در دهانه خلیج مرزی گواتر

اقدامات مرتبط با قلمروسازی در دو کشور ایران و پاکستان	کشور ساحلی	توالی زمانی اقدامات
تصویب قانون تعیین حدود آبهای ساحلی و منطقه نظارت دولتها در دریاها مصوب ۲۴ تیر ۱۳۱۳	ایران	۱۹۳۴ م / ۱۳۱۳ ش
قانون راجع به اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی فلانت قاره ایران مصوب ۲۸ خرداد ۱۳۳۴	ایران	۱۹۵۵ م / ۱۳۳۴ ش

ادامه جدول ۲

توالی زمانی اقدامات	کشور ساحلی	اقدامات مرتبط با قلمروسازی در دهانه خلیج گواتر در دو کشور ایران و پاکستان
۱۹۵۹ م / ۱۳۳۸ ش	ایران	قانون اصلاح « قانون تعیین حدود آبهای ساحلی و منطقه نظارت دولتها در دریاها» مصوب ۲۲ فروردین ۱۳۳۸
۱۹۷۳ م / ۱۳۵۲ ش	ایران	اعلام مختصات خط مبدأ مستقیم ایران (مصوبه ۳۰ تیر ۱۳۵۲)
۱۹۷۶ م	پاکستان	قانون مناطق دریایی پاکستان
۱۹۷۷ م / ۱۳۵۶ ش	ایران	اعلامیه در خصوص منطقه انحصاری ماهیگیری ایران در دریای عمان تا حد خط منصف دریای عمان
۱۹۹۳ م / ۱۳۷۲ ش	ایران	قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان
۱۹۹۶ م	پاکستان	اعلام مختصات خط مبدأ مستقیم پاکستان
۱۹۹۷ م	پاکستان	پیوستن پاکستان به کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲
۱۹۹۷ م	ایران - پاکستان	موافقتنامه تحدید حدود مرز دریایی بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی پاکستان
<p>منابع: مجموعه قوانین روزنامه رسمی کشور، (۱۳۵۵) ص ۵۷؛ مجموعه قوانین روزنامه رسمی کشور، ۱۳۱۳، ص ۱۷؛ مجموعه قوانین روزنامه رسمی کشور، ۱۳۳۴، ص ۱۷۶؛ مجموعه قوانین روزنامه رسمی کشور، ۱۳۳۸، ص ۳؛ مجموعه قوانین روزنامه رسمی شماره ۹۴۲۸ مورخ ۱۳۵۶/۱۹، صص ۵۶-۵۷، مجموعه قوانین سال ۱۳۵۵؛ مجموعه قوانین روزنامه رسمی کشور، ۱۳۷۲، تاریخ انتشار: ۰۶/۰۳/۱۳۷۲ شماره پرونده: ۱۷۴۰/۴ روزنامه: ۱۴۰۴۴؛ چرچیل و لو (۱۳۸۷)؛</p> <p>www.un.org/Dept/los/LEGISLATIONANDTREATIES/STATEFILES/PAK.htm www.un.org/Dept/los/LEGISLATIONANDTREATIES/STATEFILES/IRN.htm www.un.org/Dept/los/index.htm http://rc.majlis.ir/fa/law/show/92205</p>		

لازم به ذکر است که از بین دو کشور ساحلی خلیج گواتر کشور پاکستان در سال ۱۹۹۷ به کنوانسیون حقوق دریاها پیوسته است. پاکستان پس از الحاق به کنوانسیون که برخی فرصتها و امتیازات را برای کشورهای عضو در پی دارد و به برکت موقعیت جغرافیایی ساحلی خود که امکان گسترش مناطق دریایی مصرح در کنوانسیون را ۲۰۰ مایل دریایی و حتی فراتر از آن فراهم می‌سازد، در سال ۲۰۰۹ م محدوده خارجی فلات قاره ادعایی فراتر از ۲۰۰ مایل دریایی خود را (شامل مختصات جغرافیایی ۱۴۸ نقطه) اعلام نموده است.

خطوط مبدأ و نقاط خطوط مبدأ دو کشور در دهانه خلیج گواتر

مهمترین قلمروسازی های صورت گرفته در جلوی خلیج مرزی گواتر عبارتند از: خطوط مبدأ دو کشور ساحلی در دهانه خلیج گواتر، نقاط خطوط مبدأ دو کشور و بالاخره مرز دریایی دو کشور. از نظر

توالی زمانی اعلام مختصات نقاط خط مبدأ ایران (که نقاط ۲۴ و ۲۵ این خط مبدأ در ورودی و دهانه این خلیج قرار می‌گیرد) اولین اقدام مرتبط با قلمروسازی در خلیج گواتر به حساب می‌آید. اعلام مختصات نقاط خط مبدأ پاکستان و تحدید حدود مرز دریایی دو کشور به ترتیب اقدامات بعدی قلمروسازی در خلیج گواتر محسوب می‌شوند. بررسی این قلمروسازی‌ها و ترسیم آنها بر روی نقشه میزان انطباق یا عدم انطباق و همپوشانی قلمروها را مشخص خواهد نمود.

خطوط مبدأ

خط مبدأ همانطور که از نامش پیداست مبدأ و مبنایی برای تعیین و تحدید حدود قلمروها و مناطق دریایی کشورهای ساحلی است. از جمله این مناطق دریایی که محدوده آنها از خط مبدأ اندازه‌گیری و تعیین و تحدید می‌شود می‌توان به دریای سرزمینی، منطقه نظارت، منطقه انحصاری-اقتصادی، منطقه انحصاری ماهیگیری و منطقه فلات قاره اشاره کرد. کارکرد دیگری که خط مبدأ ایفا می‌کند جداسازی آبهای داخلی از آبهای دریای سرزمینی کشورهای ساحلی است چرا که آبهای پشت خط مبدأ در زمره آبهای داخلی به شمار می‌آیند.

جدول ۳- طبقه‌بندی خطوط مبدأ

طبقه‌بندی خطوط مبدأ	
(۱) خط مبدأ عادی (۲) خط مبدأ هندسی (مستقیم) شامل: الف) خطوط مبدأ مستقیم برای سواحل بسیار مضرس و یا پوشیده از جزایر ب) خلیج‌های کوچک (خورها) پ) دهانه رودخانه‌ها ت) تاسیسات بندری ث) برآمدگی‌های جزری ج) جزایر چ) تخته سنگها (۳) خطوط مبدأ مجمع‌الجزایری (این خطوط مبدأ را می‌توان نوعی از خطوط مبدأ هندسی به شمار آورد)	انواع خطوط مبدأ براساس کنوانسیون‌های مربوط به حقوق دریاها
(۱) استفاده از خط مبدأ عادی (۲) استفاده از خط مبدأ هندسی (مستقیم) (۳) تلفیقی از خطوط مبدأ عادی و هندسی (مستقیم) (۴) استفاده از خطوط مبدأ مجمع‌الجزایری توسط کشورهای مجمع‌الجزایری	انواع خطوط مبدأ بر اساس رویه‌های عملی کشورهای ساحلی

تعیین خط مبدأ توسط کشورها چندان کار ساده‌ای نیست و قواعد کنوانسیون ۱۹۵۸ و کنوانسیون ۱۹۸۲ نیز نتوانسته است ابهامات و خلأهای موجود در راستای تعیین و ترسیم خطوط مبدأ را مرتفع سازد و به همین خاطر کشورهای مختلف عملکرد و رویه‌های متفاوتی را در ترسیم خطوط مبدأ به نمایش

گذاشته‌اند. با این همه باید گفت قاعده کلی در تعیین و ترسیم خطوط مبدأ، استفاده از خط مبدأ عادی یا خط پست‌ترین حد جزر در امتداد ساحل است چنانکه ماده سوم کنوانسیون دریای سرزمینی و ماده پنجم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها صراحت دارند که: «خط مبدأ عادی برای اندازه‌گیری عرض دریای سرزمینی خط پست‌ترین جزر آب در امتداد ساحل است که روی نقشه‌های با مقیاس بزرگ رسماً توسط دولت ساحلی تعیین می‌شود». استفاده از خط مبدأ عادی در سواحل مضرس، دارای جزایر، بنادر، خور و خلیج با مشکل مواجه می‌شود بدین منظور ماده ۱۴ کنوانسیون ۱۹۸۲ مقرر می‌کند: «دولت ساحلی می‌تواند خطوط مبدأ را، به ترتیب توسط هر کدام از روش‌های مقرر شده... که مناسب شرایط مختلف هستند، تعیین کند» شرایط متفاوت جغرافیایی، که قواعد ویژه‌ای برای آنها طبق کنوانسیون ژنو و کنوانسیون ۱۹۸۲ پیش‌بینی شده است، عبارتند از: الف) خطوط مبدأ مستقیم برای سواحل بسیار مضرس و یا پوشیده از جزایر ب) خلیج‌های کوچک (خورها) پ) دهانه رودخانه‌ها ت) تاسیسات بندری ث) برآمدگی‌های جزری ج) جزایر چ) تخته‌سنگها (Churchill & Lowe: 2005: 50) البته رویه عملی کشورها فراتر از شرایط جغرافیایی مجاز برای ترسیم خطوط مبدأ مستقیم بوده است چنانکه پرسکات و اسکافیلد (۲۰۰۵) و روچ و اسمیت (۲۰۰۰) از تعدادی کشورها از جمله ماداگاسکار، نروژ در اطراف جان مایان، اسپانیا، آلبانی، کلمبیا، کاستاریکا، مصر، ایران، عمان، پاکستان و سنگال نام می‌برند که علی‌رغم داشتن سواحل صاف و غیر مضرس و بدون دندان‌های عمیق اقدام به ترسیم خطوط مبدأ مستقیم در طول سواحل‌شان نموده‌اند. چرچیل و لو نیز در زمان تألیف کتاب «حقوق بین‌الملل دریاها» که در ابتدای دهه ۱۹۹۰ به نگارش درآمده است، یادآور می‌شوند که نیمی از دولت‌های ساحلی جهان، از خطوط مبدأ مستقیم برای همه و یا قسمتی از سواحل خود بهره گرفته‌اند.

اصرار کشورها در ترسیم بیشینه گرای خطوط مبدأ مستقیم و پیش‌بردن سیستم خطوط مستقیم به سمت دریا و حساسیت سایر کشورها و قدرتها نسبت به این خطوط به این خاطر است که با پیش‌آمدن بیشتر این خطوط به سمت دریا، اولاً بخش بیشتری از آبهای پشت خط مبدأ، با عنوان «آبهای داخلی»، تحت حاکمیت کشور ساحلی قرار می‌گیرد و سایر کشورها را از هر گونه حقوقی در این آبها محروم می‌سازد. بعلاوه به تناسب پیش‌آمدگی خط مبدأ، پیش‌آمدگی سایر قلمروهای دریایی کشورهای ساحلی از جمله دریای سرزمینی، منطقه نظارت و منطقه انحصاری- اقتصادی نیز به سمت دریا بیشتر می‌شود و از محدوده دریاهای آزاد می‌کاهد. ماده (۲) ۴ کنوانسیون ۱۹۵۸ و ماده (۷) ۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ بر این مسأله

تاکید دارند که خطوط مبدأ (مستقیم) نبایستی به طور فاحش از مسیر طبیعی ساحل دور باشند و مناطق دریایی بین خطوط بایستی به اندازه کافی نزدیک قلمرو زمینی باشد تا بتواند شامل نظام آبهای داخلی شود (Churchill & Lowe: 2005: 54). با این همه ابهامات و خلاءهای قانونی زیادی در کنوانسیونهای مربوط به حقوق دریاها در خصوص نحوه ترسیم خطوط مبدأ مستقیم باقی ماند. مفسران و صاحب‌نظران مربوطه از جمله پرسکات تفاسیری را در خصوص طول خطوط مبدأ، فاصله از ساحل، نقاط خطوط مبدأ و محل قرارگیری آنها، مساحت محصور شده توسط خطوط مبدأ و زاویه این خطوط ابراز داشته‌اند. با این همه چنانچه گفته شد برخی از دولتهای ساحلی از قواعد مبهم و ناقص و غیر دقیق کنوانسیون بسیار فراتر رفته‌اند. رویه‌های متفاوت و افراطی کشورهای ساحلی در زمینه ترسیم خط مبدأ، اداره امور اقیانوسی و حقوق دریاهای سازمان ملل را بر آن داشت تا در سپتامبر ۱۹۸۷ گروهی از متخصصین ۱ در زمینه خط مبدأ را مسوول بررسی تهیه یک سند مقدماتی در زمینه چگونگی عملیاتی کردن مقررات کنوانسیون در زمینه خطوط مبدأ نمود ۲ که این بررسی در سال ۱۹۸۹ در نیویورک منتشر شد (UN, OFOAA & LOS, 1989). همچنین بولتن شماره ۱۰۶ از مجموعه (limits in the seas) که توسط اداره اقیانوسی و بین‌المللی و امور علمی و محیط زیستی وزارت امور خارجه آمریکا در سال ۱۹۸۷ م منتشر شده است، به راهنما و شاخصهای استاندارد برای سنجش خطوط مبدأ مستقیم البته از منظر ایالات متحده اختصاص یافته است. در بولتن شماره ۱۱۲ از این مجموعه یاد شده نیز که در سال ۱۹۹۲ م منتشر و در آن به آنالیز و بررسی ادعاهای دریایی کشورهای مختلف پرداخته شده، به برخی از عملکردهای افراطی کشورهای ساحلی در زمینه ترسیم خط مبدأ مستقیم اشاره شده است. به عنوان مثال برمه با رسم یک خط مستقیم به طول ۲۲۲ مایل در دهانه خلیج مارتابان، محدوده‌ای با مساحت ۱۴۳۳ مایل مربع دریایی را در زمره آبهای داخلی خود درآورده است. و یا کلمبیا در یک محدوده از ساحلش از یک خط مستقیم ۱۳۰ مایلی استفاده کرده و با این اقدام دریانوردی و هوانوردی آزاد در ۶۰۰ مایل مربع دریایی با محدودیت مواجه شده است. نکته‌ای جالب در بولتن شماره ۱۱۲ وجود دارد به طوری که در جدول ۲ این بولتن، فهرستی از کشورهایی که ادعای

۱ اعضای این تیم را متخصصانی از کشورهای مصر، موناکو، جمهوری فدرال آلمان، برزیل، مکزیک، بریتانیا، ترینیدادو توباگو، کانادا، نیجریه، ساحل عاج، چین، ژاپن، استرالیا، فرانسه، ایتالیا، هندوستان، ایالات متحده آمریکا، اندونزی و اتحاد جماهیر شوروی تشکیل می‌دادند.

۲ این پروژه با حمایت مالی دولت ژاپن انجام گرفته است.

خط مبدأ مستقیم داشته‌اند^۱، از جمله ایران ذکر شده است. در یک ستون از این جدول تاریخ اعتراض آمریکا به ادعای برخی از کشورها در زمینه خط مبدأ مستقیم آمده است، اما در مورد ایران علی‌رغم اینکه به قانون ۱۲ آوریل ۱۹۵۹ و مصوبه ۱۹۷۳ هیات وزیران در زمینه خط مبدأ مستقیم اشاره شده است اما اعتراضی از آمریکا (علی‌رغم اطلاع از قوانین ایران در مورد خط مبدأ مستقیم و حتی اطلاع از مختصات جغرافیایی نقاط خط مستقیم ایران طبق مصوبه هیات وزیران) تا این تاریخ وجود ندارد و تاریخ اعتراض آمریکا به بعد از تصویب قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران مربوط می‌شود به عبارتی بیش از بیست سال آمریکا علی‌رغم اطلاع از مختصات نقاط خط مبدأ مستقیم ایران در خلیج فارس و دریای عمان هیچ‌گونه اعتراضی نسبت به آن صورت نداده که این مسأله خود می‌تواند محملی حقوقی برای عرفی تلقی نمودن این خط مبدأ از طرف ایران تلقی گردد.

خلیج‌های کوچک، یکی از شرایط جغرافیایی خاص است که در کنوانسیون حقوق دریاها قواعد خاصی برای ترسیم خط مبدأ دهانه آنها وضع شده است. می‌توان گفت خلیج از عوامل جغرافیایی است که در روند تدوین قوانین دریایی تأثیرگذار بوده است.

از عواملی که در تعیین وضعیت یک فرورفتگی به منزله خلیج کوچک در نظر گرفته می‌شود، پیش رفتگی آب خلیج در خشکی و نیز امنیت و منافع اقتصادی دولت ساحلی است. کنوانسیون ۱۹۵۸ مقررات آشکار و دقیقی برای تعیین دو نکته مبهم در این مورد پیش‌بینی کرده است که همین مقررات به طور دقیق در کنوانسیون ۱۹۸۲ (ماده ۱۰) نقل شده است. برای تعیین اینکه یک فرورفتگی ساحلی به مفهوم حقوقی خلیج کوچک شناخته شود، کنوانسیون روش هندسی معینی را وضع کرده است.

ابتدا یک خط در دهانه فرورفتگی رسم و سپس یک نیم دایره که قطر آن همین خط است کشیده می‌شود و مساحت آن محاسبه می‌شود. آن‌گاه مساحت بین خط کشیده شده و خط پست‌ترین حد جزر آب در فرورفتگی ساحلی محاسبه می‌شود اگر مساحت آب‌اندازه‌گیری شده بیشتر از مساحت نیم دایره باشد، فرورفتگی را می‌توان خلیج کوچک دانست. سپس برای تعیین خط مبدأ آن خطی در امتداد دهانه آن کشیده می‌شود، اگر طول خطی که کشیده شده ۲۴ مایل باشد این خط مبدأ محسوب می‌شود و اگر بیش از ۲۴ مایل باشد، یک خط مستقیم ۲۴ مایلی در داخل خلیج به نحوی کشیده می‌شود که بیشترین آب

۱ در این فهرست بیش از شصت کشور که تا تاریخ انتشار بولتن ۱۹۹۲ مدعی خط مبدأ مستقیم در سواحلشان بوده اند ذکر شده است قطعا تعداد این کشورها در حال حاضر افزایش یافته است

ممکن را مسدود کند، این همان خط مبدأ است. در قسمت غیر مسدود، خط مبدأ همان خط پست ترین حد جزر است (Mirhaydar & others, 2014). در ساحل دریای عمان خلیج چابهار در ساحل ایران و خلیج گوادر در ساحل پاکستان می‌توانند در زمره این نوع خلیج‌ها به حساب آیند. اما وضعیت خلیج گوادر چگونه است؟ بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۲ دو نوع خلیج وجود دارد که مقررات ماده (۷) کنوانسیون ۱۹۵۸ و ماده (۱۰) کنوانسیون ۱۹۸۲ که در بالا ذکر شد شامل آنها نمی‌گردد:

۱) خلیج‌های تاریخی^۱

۲) خلیج‌هایی که سواحل آنها متعلق به بیش از یک دولت می‌باشد در نوع اول دولت ساحلی مجاز شمرده شده که دهانه خلیج را حتی با خطوط مستقیم طولانی مسدود سازد و محدودیت ۲۴ مایل هم در دهانه این نوع خلیج‌ها مطرح نیست.

اما در نمونه دوم از کشورهای ساحلی خواسته شده است که پست ترین حد جزر به عنوان خط مبدأ کشورهای ساحلی در این خلیج‌ها تعیین گردد و بنابراین نمی‌توان خط مبدأ این خلیج‌ها را توسط خطی در دهانه خلیج ترسیم نمود. بنابراین این خلیج‌ها شامل ماده ۷ کنوانسیون ۱۹۵۸ و ماده ۱۰ کنوانسیون ۱۹۸۲ نمی‌باشند و بیش از چهل خلیج از این نوع خلیج‌ها در جهان وجود دارد (Churchill & Lowe: 2005: 62).

با این همه رویه دولتهایی که مرزهای خشکی آنها به یک پهنه آبی همچون خلیج کوچک و یا رودخانه منتهی می‌شود، با قواعد کنوانسیون منطبق نیست و حتی مفسران و صاحب‌نظران مربوطه نیز برخی کشورها را در استفاده از خط محصورکننده در خلیج‌های کوچک مرزی و به تبع آن تعیین نقاط انتهایی یا ابتدایی خط مبدأ بیرون از سرزمین اصلی و در پهنه آبی، مجاز شناخته‌اند. مشروط بر آنکه دو کشور همجوار با موافقت همدیگر نسبت به تعیین مرز دریایی خود در خلیج و یا رودخانه مبادرت ورزیده باشند

۱ اگر عنوان خلیج تاریخی برای یک خلیج محرز شود (یعنی دولتی بتواند اثبات کند که برای زمان قابل ملاحظه ای مدعی یک خلیج با آب داخلی خود بوده و طی این مدت، ادعای این دولت مورد اعتراض سایر دولت‌ها نبوده)، آنگاه خطی که دو طرف دهانه آن را به هم وصل می‌کند، خط مبدأ است. طول این خط نیز می‌تواند هر قدر که لازم است، ترسیم شود. در حال حاضر بیش از ۲۰ دولت مدعی داشتن خلیج تاریخی هستند که از آن جمله می‌توان به ادعای آمریکا بر خلیج چسپیک اشاره کرد. خلیج‌های تاریخی نیز از جمله مواردی هستند که موجب منازعه میان کشورها شده‌اند. برای نمونه می‌توان از ماجرای خلیج سیرت نام برد که منجر به بروز کشمکش‌هایی بین لیبی و آمریکا شده است (Churchill & Lowe: 2005: 64-69).

در این صورت می توان خطی مستقیم در دهانه خلیج و یا رودخانه ترسیم نمود. نقطه تلاقی خط مرز دریایی دو کشور با خط مستقیم محصور کننده، نقطه ابتدایی یا انتهایی خطوط مبدأ دو کشور به حساب می آید (نگاه کنید به: Prescott & Schofield : 113- 130 ؛ Ranjbarian & Seirafi, 2013).

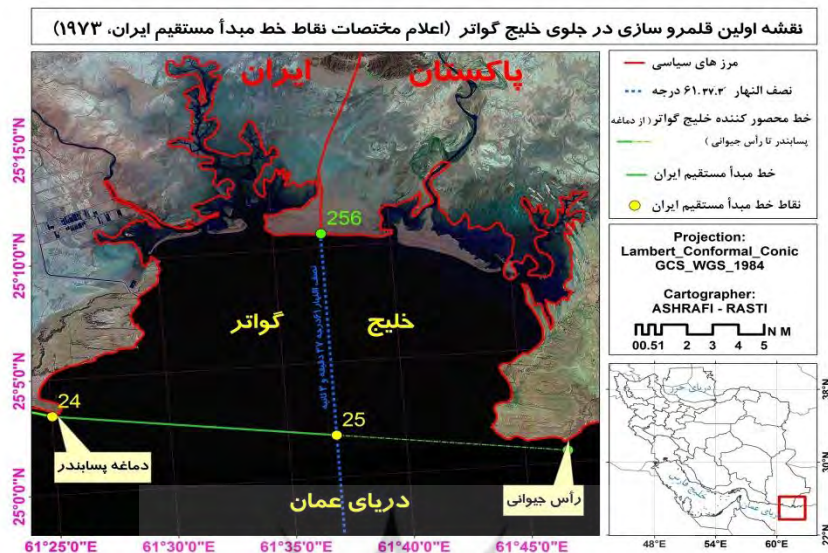
بنابر مواد کنوانسیون ۱۹۸۲ کشورهای ساحلی همجوار با یک خلیج کوچک از قبیل ایران و پاکستان مجاز به ترسیم خط مبدأ مستقیم و یا به عبارتی خط محصور کننده دهانه خلیج نیستند. همچنین در بولتن شماره ۱۰۶ از مجموعه (limits in the seas)^۱ که به راهنما و شاخصهای استاندارد برای سنجش خطوط مبدأ مستقیم البته از منظر ایالات متحده اختصاص یافته است. تفسیر این کشور از ماده ۷ مربوط به خط محصور کننده دهانه خلیج، فقط محدود به خلیج های کوچکی می شود که در ساحل یک کشور وجود داشته باشد.

اما رویه عملی دو کشور ساحلی خلیج گواتر مانند برخی دیگر از کشورها استفاده از سیستم خط مبدأ مستقیم بوده است. چنانکه ایران در سال ۱۳۵۲ مختصات نقاط خط مبدأ خود را اعلام می نماید. بر اساس این مصوبه و مختصات نقاط خط مبدأ پاره خط پایانی سیستم خط مبدأ ایران که نقاط ۲۴ و ۲۵ را به همدیگر متصل می سازد، قسمتی از دهانه خلیج گواتر (بخش غربی خلیج) را مسدود می سازد. پاکستان نیز در ۲۹ آگوست ۱۹۹۶ مختصات نقاط خط مبدأ مستقیم خود را اعلام نمود.

این سیستم خط مبدأ مستقیم، که سیستمی پیوسته است، از اتصال ۱۰ نقطه (از نقطه a تا k) تشکیل می شود. نقطه a این خط مبدأ با مختصات ۲۵ درجه و ۲ دقیقه و ۲۰ ثانیه عرض شمالی و ۶۱ درجه ۳۵ دقیقه و ۵۰ ثانیه طول شرقی، روی آب و در دهانه خلیج مرزی گواتر قرار می گیرد. نقطه b این خط مبدأ نیز بر رأس حیوانی در محل ورودی دهانه خلیج گواتر در ساحل پاکستان قرار دارد. بر این اساس اولین پاره خط سیستم خط مبدأ مستقیم پاکستان که نقاط a و b را به هم متصل می سازد، قسمت شرقی دهانه خلیج گواتر را مسدود می سازد. اما نکته مهمی که با ترسیم این سیستم خطوط مبدأ بر روی نقشه بیشتر عیان می شود، همپوشانی ۱/۵ مایلی دو خط مبدأ در وسط دهانه خلیج گواتر است.^۲

۱ این بولتن توسط اداره اقیانوسی و بین المللی و امور علمی و محیط زیستی وزارت امور خارجه آمریکا در سال ۱۹۸۷ م منتشر شده است

۲ پرسکات و اسکافیلد نیز به همپوشانی ۱/۴ مایلی دو خط مبدأ ایران و پاکستان در دهانه خلیج گواتر اشاره می کنند (Prescott & Schofield, 2005;113)



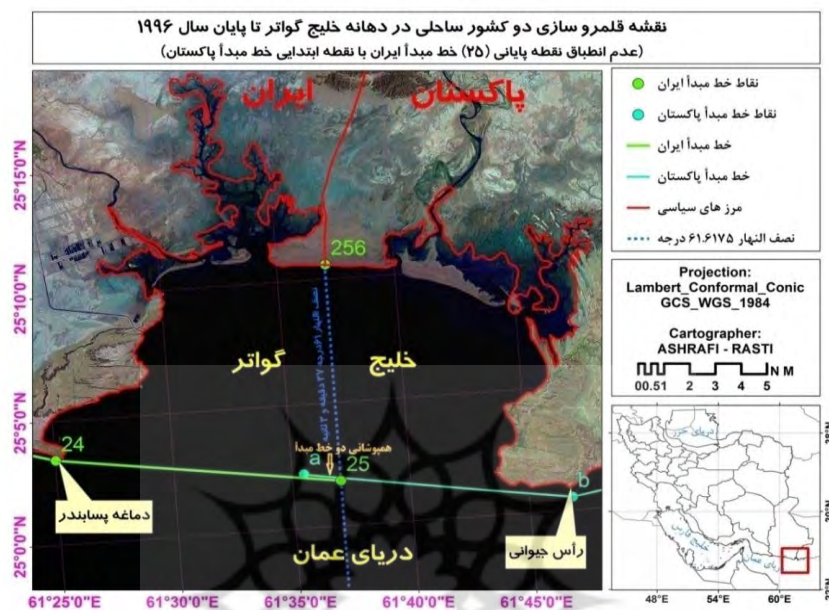
شکل ۲- نقشه اولین قلمرو سازی در جلوی خلیج گواتر

نقاط خطوط مبدأ

خطوط مبدأ بخصوص ترسیم خطوط مبدأ مستقیم از اتصال مجموعه ای از نقاط تحت عنوان « نقاط خط مبدأ» به دست می‌آید. بر اساس ماده (۱) ۷ کنوانسیون ۱۹۸۲، دولتهای ساحلی می‌بایست در ترسیم خطوط مبدأ، «نقاط مناسب»^۱ را تعیین و به هم متصل سازند. استنباط مفسران و صاحب نظرانی چون پرسکات، رایسمن و وسترن از این اصطلاح، این است که نقاط خط مبدأ می‌بایست بر روی خشکی و در امتداد خط پست ترین حد جزر انتخاب گردد. پرسکات کشورهایی را نام می‌برد که نقاط پایانی یا ابتدایی خطوط مبدأ آنها بر روی سرزمین اصلی واقع نشده و یا جلوتر از خط پست ترین حد جزر و بر روی آب قرار دارند. با این همه وی مواردی را که مرز زمینی دو کشور همجوار به یک پهنه آبی همچون خلیج کوچک یا رودخانه منتهی می‌شود را مستثنی می‌سازد مشروط بر اینکه دو کشور همجوار با موافقت همدیگر نسبت به تعیین مرز دریایی مشترک خود مبادرت ورزیده باشند. در این صورت دو کشور ساحلی می‌توانند نسبت به ترسیم خط مستقیم (خط محصور کننده) در دهانه خلیج اقدام نمایند و نقطه تلاقی خط

1 appropriate points

مبدأ مستقیم (خط محصور کننده دهانه خلیج) با خط مرز دریایی دو کشور، نقطه پایانی / ابتدایی خطوط مبدأ دو کشور ساحلی همجوار خواهد بود!



شکل ۳- نقشه عدم انطباق نقطه پایانی (۲۵) خط مبدأ ایران با نقطه a خط مبدأ پاکستان

همپوشانی خطوط مبدأ ایران و پاکستان در دهانه خلیج گواتر به دلیل عدم انطباق^۲ نقطه پایانی خط مبدأ ایران (نقطه ۲۵) و نقطه ابتدایی خط مبدأ پاکستان (نقطه a) می باشد. همچنین تعیین خطوط مبدأ دو کشور مقدم بر تعیین و تحدید حدود مرز دریایی دو کشور بوده است (نگاه کنید به جدول ۲). با اتصال خطوطی فرضی از نقطه ۲۵ خط مبدأ ایران و نقطه (a) خط مبدأ پاکستان به علامت ۲۵۶ خط مرزی خشکی ایران و

۱ این روش توسط کشورهای چون سوئد و نروژ در تنگه اسکارگراک، فنلاند و سوئد در خلیج بوتنی و آلمان و دانمارک در دریای شمال به کار گرفته شده است.

۲ پرسکات و اسکافیلد (2005:113)، به همپوشانی ۱/۴ مایلی (مایل دریایی) دو خط مبدأ ترسیم شده در جلوی خلیج گواتر اشاره می کند. رنجبریان و صیرفی (۱۳۹۱) نیز در مورد انطباق یا عدم انطباق دو نقطه خط مبدأ ایران و پاکستان در دهانه خلیج گواتر به دلیل عدم اعلام مبنای ژئودزیکی (datums) مختصات اعلامی، با دیده شک می نگرند و اذعان می دارند که بعید است طرف پاکستانی نقطه انتخابی ایران را پذیرفته باشد. استدلال نگارندگان نیز این گفته پرسکات است که نقطه ۲۵ ایران در ۲/۵ مایلی شرق نقطه ای قرار دارد که از نزدیکترین نقاط در ساحل ایران و ساحل پاکستان هم فاصله است.

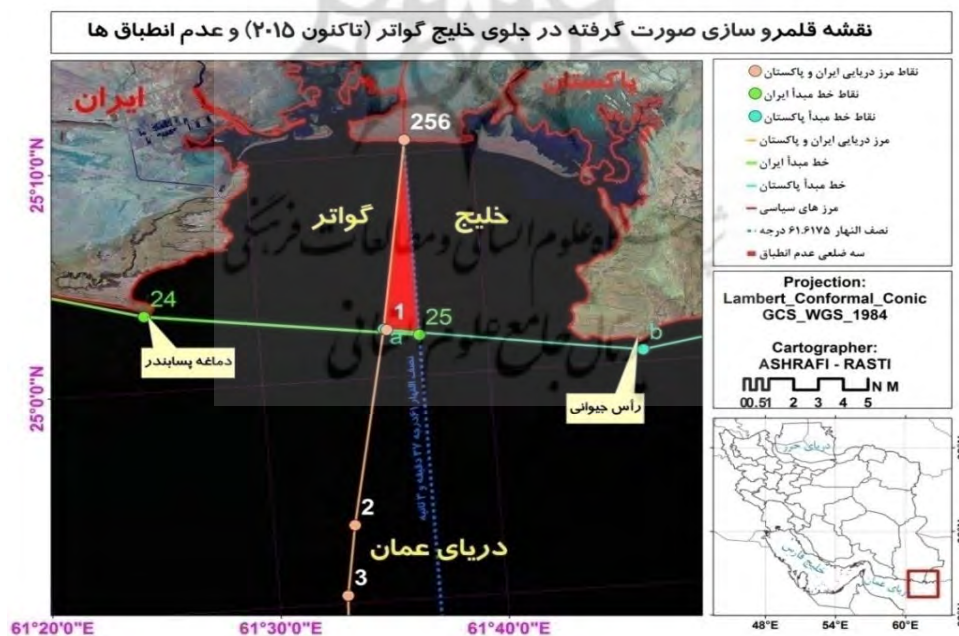
پاکستان در ساحل خلیج گواتر، یک سه ضلعی ناشی از همپوشانی خطوط مبدأ دو کشور به دست می‌آید و پر واضح است که اصرار بر مختصات نقاط خط مبدأ دو کشور در دهانه خلیج گواتر، احتمال اختلافات و تنشهای مربوط به مرز، مدیریت مرز و کارکرد مرز را در پی خواهد داشت.

نقطه (۱) مرز دریایی ایران و پاکستان: نقاط (۲۵) و (۲) خطوط مبدأ

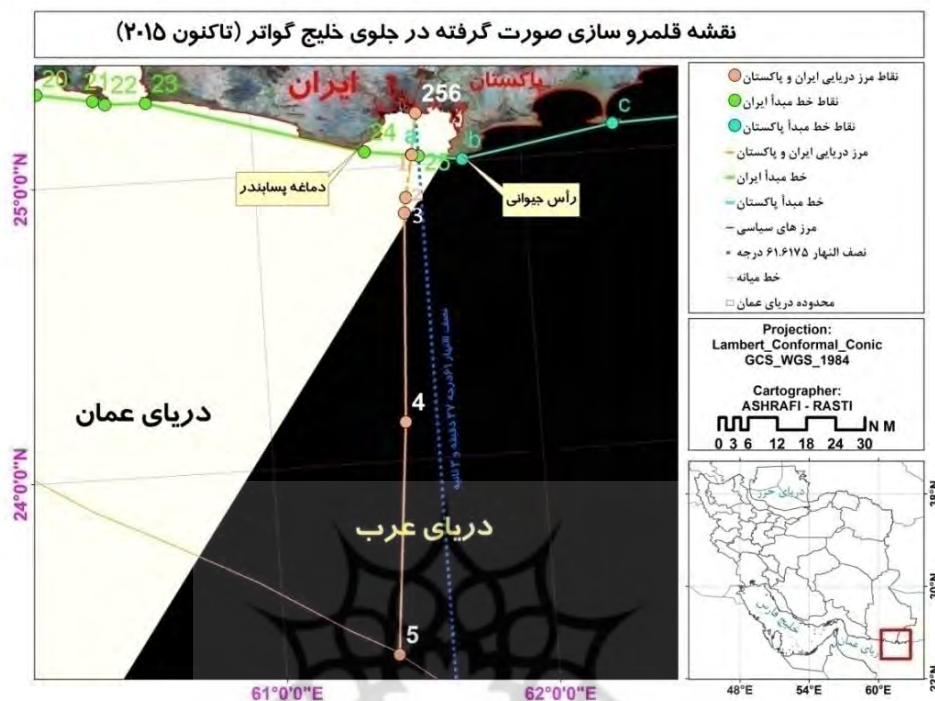
حل و فصل اختلافات ارضی و مرزی و جلوگیری از اختلافات مرزی احتمالی در خشکی و دریا از جمله اصول مربوط به حسن همجواری دولتها و کشورها می‌باشد. بنابراین رفع ابهامات و نزاحات مربوط به قلمروسازی در دریا نیز از جمله این موارد به شمار می‌رود. چنانچه در بالا اشاره شد قلمروسازی دو کشور ایران و پاکستان در جلو خلیج گواتر به دلیل مختصات نقاط خط مبدأ و به تبع آن خطوط مبدأ مستقیم دو کشور در دهانه خلیج گواتر، با نزاحم و همپوشانی روبروست. اما نکته مثبت قلمروسازی در دهانه این خلیج، تحدید حدود مرز دریایی دو کشور است که اگر چه بعد از اعلام مختصات خط مبدأ دو کشور انجام گرفته است اما با این حال این مرز دریایی پتانسیل مناسبی برای پایان دادن به این ابهام و همپوشانی دو خط مبدأ است، مشروط بر اینکه کشورهای ساحلی بر مختصات نقاط خط مبدأ خود در دهانه خلیج، مصر نباشند. در این صورت باید به دنبال نقطه ای جدید بود. در نقشه ترسیمی توسط سازمان جغرافیایی که افشردی (۱۳۸۶) و حافظ نیا (۱۳۹۳) از آن در مطالعاتشان استفاده کرده‌اند، نقطه پایانی یا ۲۵ خط مبدأ ایران بر روی خشکی سرزمین اصلی و منطبق با علامت مرزی ۲۵۶ ترسیم شده است. قرار دادن نقطه انتهایی خط مبدأ ایران بر روی خشکی و در ساحل خلیج گواتر مشکلاتی را در پی خواهد داشت. انتخاب این نقطه، موجب عقب نشینی خط مبدأ ایران، کاسته شدن از پهنه آبهای داخلی ایران و به تبع آن عقب نشینی سایر قلمروهای دریایی از جمله دریای سرزمینی، منطقه نظارت و منطقه انحصاری - اقتصادی می‌گردد. اتخاذ چنین تصمیمی اگر حتی برای انطباق با قواعد کنوانسیون حقوق دریاها باشد، باز به صلاح نیست چرا که اولاً کشورهای زیادی در مورد خلیج های کوچک مرزی نقاط خط مبدأ خود را در دهانه خلیج و روی آب قرار داده‌اند و تقریباً به یک قاعده عرفی درآمده است. در ثانی اگر این تغییر و عقب نشینی خط مبدأ به منظور انطباق با قواعد کنوانسیون حقوق دریاها صورت گیرد، فتح بابی برای عقب نشینی و اصلاح سایر مغایرتهای موجود در ترسیم خط مبدأ مستقیم ایران با قواعد کنوانسیون خواهد بود.

رنجریان و صیرفی نیز در پژوهش‌شان اعلام می‌دارند که در حال حاضر نقطه آخر خط مبدأ ایران در محل تلاقی خط مرز ایران و پاکستان در خلیج گواتر و خط مستقیمی که دو طرف دهانه خلیج گواتر را به

هم می‌پیوندد، قرار دارد. نویسندگان سندی رسمی و منبعی مرتبط با این مطلب ارائه نمی‌دهند. جستجوهای نگارندگان این مقاله نیز در یافتن سندی رسمی مبنی بر اعلام مختصات جدید برای نقطه انتهایی خط مبدأ ایران از سوی نهادهای رسمی بی نتیجه ماند. بنابراین می‌توان این راهکار را نیز به عنوان راهکاری پیشنهادی از سوی پژوهشگران مذکور به شمار آورد. پیشنهاد این پژوهش نیز تعیین نقطه خط مبدأ مشترک در دهانه خلیج گواتر است. این نقطه از تلاقی خط مرز دریایی دو کشور با خط مستقیم محصور کننده دهانه خلیج، حاصل می‌گردد با بررسی موقعیت نقاط مرز دریایی دو کشور مشخص می‌گردد که این شرایط در نقطه (۱) خط مرز دریایی ایران و پاکستان فراهم است چرا که در درجه نخست این نقطه بر روی خط مستقیمی که دو طرف خلیج گواتر یعنی دماغه پسابندر در طرف ایران را به رأس حیوانی در طرف پاکستان متصل می‌سازد، قرار دارد، از طرفی نقطه مزبور یکی از نقاط مرز دریایی توافق شده بین دو کشور است و همچنین این نقطه در فاصله نزدیکی از دو نقطه (۲۵) خط مبدأ ایران و نقطه ابتدایی (a) خط مبدأ پاکستان قرار دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود نقطه (۱) خط مرز دریایی ایران و پاکستان به عنوان نقطه ای مشترک، نقطه انتهایی (۲۵) خط مبدأ ایران و نقطه ابتدایی (a) خط مبدأ پاکستان تلقی و تعیین گردد. بدیهی است اتفاق بر این نقطه جلوی اختلافات احتمالی بعدی بین دو کشور را می‌گیرد.



شکل ۴- نقشه قلمرو سازی ها در جلوی خلیج گواتر، همپوشانی و عدم انطباقها



شکل ۵- نقشه قلمرو سازی های صورت گرفته در جلوی خلیج گواتر در دریای عمان و دریای عرب

نتیجه گیری و پیشنهادات

قلمرو سازی و قلمرو گسترگی کشورهای ساحلی از ابتدای قرن بیستم با سرعت و شتاب بیشتری دنبال شده است. اما از آنجا که رویه کشورهای ساحلی در این خصوص بسیار متفاوت و بعضاً بسیار افراطی بود و برخی از ادعاهای کشورهای ساحلی اختلافات و تنشهایی را در پی داشت پس از تشکیل جامعه ملل متفق و متعاقب آن پس از تشکیل سازمان ملل، شاهد تشکیل کنفرانسها و کنوانسیونهایی برای وحدت رویه در زمینه ادعاهای مربوط به قلمروهای دریایی، حقوق کشورهای ساحلی و سایر کشورها و مواردی از این قبیل در قالب حقوق بین الملل دریاها هستیم. آخرین تلاش مربوطه کنوانسیون حقوق بین الملل دریاها مصوب سال ۱۹۸۲ می باشد. تشکیل این کنفرانسها و کنوانسیونهای مربوط به حقوق بین الملل دریاها همواره در قاعده مند نمودن تمامی ادعاها و عملکردهای کشورهای ساحلی در زمینه قلمرو سازی در دریا موفق نبوده اند. برخی از این عدم موفقیتها ناشی از ابهامات، خلأها و نواقص موجود در برخی از مواد، و غیر دقیق بودن برخی از مواد قوانین حقوق بین الملل دریاها می باشد از جمله این موارد می توان به نحوه ترسیم

خطوط مبدأ مستقیم از جمله خطوط محصور کننده دهانه خلیج و یا نحوه انتخاب نقاط خطوط مبدأ اشاره کرد.

خلیج کوچک مرزی گواتر در متهی الیه شمال شرقی دریای عمان، یک پهنه آبی مشترک بین دو کشور ایران و پاکستان به حساب می آید. بررسی اسناد و قوانین دو کشور ساحلی در خصوص قلمروهای دریایی و مرز دریایی دو کشور حاکی از آن است که مهمترین اقدامات مرتبط با قلمروسازی دو کشور ساحلی علاوه بر تصویب قوانین مربوط به مناطق دریایی، تعیین و اعلام مختصات نقاط خط مبدأ مستقیم و بالاخره تعیین مرز دریایی دو کشور است. بنابراین هر دو کشور ساحلی مانند تعداد دیگری از کشورها، در خلیجی که سواحلش متعلق به بیش از یک کشور است، از سیستم خط مبدأ مستقیم استفاده کرده اند، اقدامی که با توجه به مواد کنوانسیون حقوق دریاها چنین کشورهایی مجاز به استفاده از خط مبدأ مستقیم (خط محصور کننده دهانه خلیج) نیستند و می بایست در چنین خلیج هایی از رویه خط مبدأ عادی یا پست ترین حد جزیرپروی نمود. اما چنانچه گفته شد، در عمل رویه دولتها منطبق با مواد کنوانسیون در مورد این گونه خلیجها نبوده است.

با ترسیم ادعاها و قلمروسازی های صورت گرفته در دهانه خلیج گواتر بر روی نقشه، و تحلیل کارتوگرافیکی و انجام محاسبات لازم، مشخص گردید که خطوط مبدأ مستقیم دو کشور در دهانه خلیج گواتر با همدیگر همپوشانی دارند و این ناشی از موقعیت و مختصات نقاط خطوط مبدأ دو کشور (نقطه ۲۵) خط مبدأ ایران و نقطه (a) خط مبدأ پاکستان) در دهانه خلیج و عدم انطباق آنها با یکدیگر است.

مسئله بعد به محل قرار گیری نقاط خطوط مبدأ مربوط می شود. از نقاط خطوط مبدأ دو کشور نقطه ۲۵) خط مبدأ ایران و نقطه (a) خط مبدأ پاکستان روی آب (خارج از سرزمین اصلی) و در دهانه خلیج گواتر قرار می گیرند که این از نظر برخی متخصصان ترسیم خطوط مبدأ و مفسرین و صاحب نظران تفسیر مواد کنوانسیون مورد اشکال است. همچنین ترسیم این نقاط با توجه به مختصات جغرافیایی آنها نشان از عدم انطباق این دو نقطه با هم دارد. بدیهی است که همپوشانی قلمروهای دریایی که در اثر انطباق دو نقطه مذکور حاصل شده است، احتمال بروز اختلاف و تنش را در این قسمت از مرزهای دریایی بین دو کشور به ذهن متبادر می سازد بخصوص اگر دو کشور ساحلی بر این دو نقطه با مختصات مربوطه اصرار داشته باشند. یک ضرب المثل قدیمی می گوید: حصار خوب همسایه خوب می سازد. در مورد کشورها نیز باید گفت یک مرز خوب همسایه های خوبی می سازد لذا با توجه به اینکه دو کشور ایران و

پاکستان در سال ۱۹۹۷ مرز دریایی خود را تعیین و تحدید کرده‌اند، به نظر می‌رسد که نقطه (۱) خط مرز دریایی ایران و پاکستان که در دهانه خلیج قرار می‌گیرد می‌تواند جایگزین مناسبی برای نقطه (۲۵) ایران و نقطه (a) پاکستان تلقی گردد چرا که این نقطه در نزدیکترین فاصله از دو نقطه مذکور و در دهانه خلیج گواتر قرار دارد و از سوی دو کشور در تعیین مرز دریایی مورد توافق قرار گرفته است.

کتابنامه

1. Afshordi, M. H. (2007). A Study of the correspondence and differences between the Islamic Republic of Iran in the Persian Gulf and Sea of Oman (1993), the Convention on the Law of the Sea (1982) , *Geographical Research*, No 59.pp 141-160. [In Persian].
2. Blacksell, M. (2010). *Political Geography*, (Hafeznia, M.R., A.Abdi, H.Rabiee & A. Ahmadi, Trans.). Tehran: Entekhab. [In Persian].
3. Blake, G. (1987), *Maritime Boundaries and Ocean Resources*, New Jersey: Barnes& Noble Books.
4. Churchill, R. & Lowe, A. (2005). *The law of the sea*, (Aghai, B., Trans.) (3rd ed.) . Tehran: Ganj-e Danesh Press. [In Persian].
5. Cohen, S. B. (2008). *Geopolitics of the World System*, (Kardan, A., Trans.) Tehran: International Studies & Research Institute Abrar Moaser Tehran Publisher. [In Persian].
6. Electronic sources:
7. Hafez Nia, M. R. (2002). *Political geography of Iran*, Tehran: SAMT Press. . [In Persian].
8. <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/92205>
9. <http://rooznamehrasmi.ir/laws/?CatCode=1>
10. <http://www.gazette.ir/>
11. <http://www.inio.ac.ir/Default.aspx?tabid=2026>
12. <http://www.rooznamehrasmi.ir>
13. <http://www.rrk.ir/laws/>
14. Iranian Official Journal, Ruznamah-i Rasmi-i Jumhuri-i Islami (1993), Set of rules and regulation 1993, Tehran: Rooznameh Rasmi Publication., No.1740/4. Vol. 14044. [In Persian].
15. Iranian Official Journal, Ruznamah-i Rasmi-i Kashvar (1934). Set of rules and regulation 1934, Tehran: Rooznameh Rasmi Publication., p. 17. [In Persian].
16. Iranian Official Journal, Ruznamah-i Rasmi-i Kashvar (1955). Set of rules and regulation 1955, Tehran: Rooznameh Rasmi Publication, p.176. [In Persian].
17. Iranian Official Journal, Ruznamah-i Rasmi-i Kashvar (1959). Set of rules and regulation 1959, Tehran: Rooznameh Rasmi Publication., p. 3. [In Persian].

18. Iranian Official Journal, Ruznamah-i Rasmi-i Kashvar (1977). Set of rules and regulation 1977, No.9428. pp. 56-57. [In Persian].
19. Lacoste, Y. (1988). Questionse de geopolitique: L'Islam, la mer, l'Afrique, (Agahi, A., Trans.) Tehran: Farhang-e- Eslami Press. [In Persian].
20. Mirhaydar, D., Gholami, B. & Mirahmadi, F. (2014). Political Geography and the law of the Sea, *Human Geography Researchs*, Vol.46, No.2. PP. 337-360. [In Persian].
21. Mirhaydar, D., Hamidinia, H. (2010). Autopsy of the Political Map and the Role of it in Application of Policy. *Journal of Faculty of Law and Political Science*. Vol.40, No.1. PP. 295-313.
22. Mirhaydar, D., Rasti, O., Soltani, N., Amiri, A. & Eltimi Nia, R. (2007). The trend of territoriality in Persian Gulf. *Journal of Geopolitics*, 3(1), 1-21. [In Persian].
23. Mirhaydar, D., Rasti, O. & Mirahmadi, F. (2013). The basic themes in political geography. Tehran: Samt Press. [In Persian].
24. Momtaz, J., Ranjbarian, A. (1996). Double Interpretation of Convention on the Law of the Sea: The Law of Sea Zones of Irn and the objection of the United States, *Journal of Faculty of Law and Political Science*. 35(3). PP. 85-113. [In Persian].
25. Office for Ocean Affairs and the Law of the Sea (1989), *Baselines: an examination of the relevant provisions of the United Nations Convention on the Law of the Sea*, United Nations: New York.
26. Prescott, J.R.V. (1985), *The maritime political boundaries of the world*, Methuen: London.
27. Prescott, v. (1997), Pakistan: notification of straight baselines , *The International Journal of Marine and Coastal Law*, 12 (1), 105-8.
28. Prescott, v. and Schofield, C., (2005), *The Maritime Political Boundaries of the World*, 2nd, Martinus Nihjoff Publishers, Leiden / Boston.
29. Ranjbarian, A., & Seirafi, S. (2013). Investigating the straight baseline of Iran on the Persian Gulf and Gulf of Oman and other countries protest. *The Journal of International Law*, 48, 35-64. [In Persian].
30. Rasti, O., Moradi, E., Ashrafi, A & Eltiamina, R. (2012). Territoriality of the United Arab Emirates on the Persian Gulf (with emphasis on the new territorialities, *Defense Strategy*, (38), pp: 31- 71. [In Persian].
31. Reisman, W. M. and Westerman, G. (1992). *Straight Baselines in International Maritime Boundary Delimitation*, St. Martin s Press: New York.
32. Roach, J.A. & Smith, R.W. (2000). Straight baselines: the need for a universally applied norm, *Ocean Development and International Law*, 31, pp.47-80
33. The Geographer (1994). Iran s Maritime Claims, *Limits in the Seas*, No.114, Washington D.C.

34. United Nations (1973). National legislation ° DOALOS/OLA, IRN-1973, Decree-Law, 21 July 1973.
35. United Nations (1976). National legislation ° DOALOS/OLA,(1976), Territorial Waters and Maritime Zones Act, 1976 (of 22 December 1976).
36. United Nations (1982). United Nations Convention on the Law of the Sea.
37. United Nations (1983). The Law of the Sea. Official text of the United Nations Convention on the Law of the Sea with Annexes and Index, United Nations: New York.
38. United Nations (1996). National legislation ° DOALOS/OLA, Statutory Notification of 29 August 1996, specifying the baseline from which the limits of the Territorial Waters, the Contiguous Zone, the Exclusive Economic Zone and the Continental Shelf shall be measured, ISLAMABAD, Thursday, 29 August 1996.
39. United Nations (2011). Table of Claims to Maritime jurisdiction (as at 15 July 2011) in: www.un.org/depts/los/.../PDFFILES/table_summary_of_claims.pdf
40. United Nations- DOALOS/OLA - National legislation (1993). Act on the Marine Areas of the Islamic Republic of Iran in the Persian Gulf and the Oman Sea, 1993.
41. United Nations, Office for ocean Affairs and the Law of the Sea (1989). The Law of the Sea, Baseline: An Examination of the Relevant Provisions of the United Nations Convention on the Low of the Sea, New York.
42. United States Department of State (1972-2014). Limits in the seas, Washington DC, Bulletins Nos. 1-143.
43. United States Department of State (1987). Developing standard guidelines for evaluating straight baselines . Limits in the Seas, No. 106.
44. United States Department of State (1992). United States responses to excessive maritime claims , Limits in the Seas, No. 112.
45. www.un.org/Dept/los/index.htm
46. www.un.org/Dept/los/LEGISLATIONANDTREATIES/STATEFILES/IRN.htm
47. www.un.org/Dept/los/LEGISLATIONANDTREATIES/STATEFILES/PAK.htm.